حکومت اسلامی/ سال سی‌ام، شمارهٔ چهارم، زمستان۱۴۰۴، پیاپی۱۱۸
ISLAMIC GOVERNMENT 118 / Vol.30, No.4, Winter 2026

سازوکارهای مهار قدرت سیاسی در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری(حفظه‌الله)

دریافت: ۱۴۰۴/۶/۲۳ تأیید: ۱۴۰۴/۹/۱

سیدابراهیم معصومی*
امیر فاضلی**

چکیده

مسئله مهار قدرت سیاسی و پیش‌گیری از فساد، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی در اندیشه سیاسی اسلام بوده است. این مقاله با بررسی دقیق دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، به تبیین الگوی نظری مهار قدرت در دو محور می‌پردازد که بر پایه آموزه‌های قرآنی، قادر به کنترل قدرت و تضمین حکمرانی صالح است. بر این اساس، از چارچوب مفهومی مدل دوگانه مهار قدرت(مهار درونی و مهار بیرونی) و از روش تحلیل مضمون با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که از منظر ایشان، مهار قدرت یک پدیده سیستمی و غیرخطی است که نمی‌تواند تنها با اتکا به یک عامل تحقق یابد. این سازوکارها در دو سطح اصلی و به‌هم پیوسته عمل می‌کنند: نخست، سطح اخلاقی(رکن درونی) که به بُعد فردی و شخصیتی حاکم باز می‌گردد. دوم، سطح سیاسی(رکن بیرونی) که به بعد اجتماعی و نظارت عمومی مربوط می‌شود. نتیجه این مقاله آن است که رویکرد مقام معظم رهبری به مهار قدرت، یک نظریه سیستمی و دو محوری است که حکمرانی صالح و پایدار را در گرو تعادل پویا و تعامل ساختاری میان اخلاق فردی حاکم و نظارت جمعی مردم می‌داند و این تبیین، سهم اصلی پژوهش در تئوریزه‌کردن اندیشه ایشان است.

واژگان کلیدی

فقه سیاسی، مهار قدرت سیاسی، حکمرانی صالح، اندیشه‌های مقام معظم رهبری

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران: masomi628@kashanu.ac.ir
** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران: amir.fazeli@kums.ac.ir

مقدمه

مسئله مهـار قـدرت سیاسـی و پـیش‌گیـری از فسـاد، همـواره یکـی از مهـم‌تـرین چالش‌های تفکر سیاسی به‌شمار رفته است. انسان به تدریج دریافت که فقـدان نظـارت بر قدرت به فساد منجر می‌شود. ذات انسان میان دو جهـت متضـاد؛ یعنـی گـرایش بـه پیشرفت و کمال و همچنین انگیزه طلب قدرت، در نوسان است و همواره ممکن اسـت که تمایل به کسب قدرت بر آرزوی کمال چیره گردد. این حقیقـت در اندیشـه سیاسـی مدرن نیز بازتاب یافته است. متفکرانی چون «شارل مونتسکیو» هشدار مـی‌دهنـد کـه در صورت تجمع قوای سه‌گانه در یک فرد یا نهاد، آزادی از میـان مـی‌رود؛ چراکـه زمینـه برای وضـع و اجـرای قـوانین خودکامـه فـراهم مـی‌شود(مونتسـکیو، ۱۳۶۲، ص۴۸۷). همچنین جان لاک بر این باور است که اگر قانون‌گذاران، خود قدرت اجرایی را نیـز در دست داشته باشند، وسوسه سوء استفاده از قدرت برای گسـترش نفـوذ و اختیاراتشـان وجود دارد(لاک، ۱۳۸۷، ص۱۴۷). این نگاه واقع‌بینانه به ذات قـدرت، ضـرورت طـرح سازوکارهای مهار آن را برجسته ساخته است.

در اندیشه سیاسی اسلامی، این نگرانی به شکلی عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تر مطرح شـده است. هرچند در دوران حضور امام معصوم علیه‌السلام، عصمت ایشان به‌عنوان یک سازوکار پیشینی، جلوی فساد قدرت را می‌گرفت، اما در دوران غیبت و در اندیشه واقع‌گرایانـه، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه مـی‌تـوان حاکمـان غیرمعصـوم را از انحـراف و طغیان بازداشت؟ در این زمینه، مقام معظم رهبری، با تأکید بر آموزه‌های قرآنی، مهـار قدرت را یک ضرورت حیاتی برای سلامت نظام اسلامی می‌داند. ایشان با بیان اینکـه قدرت، اگر مهار نشود، طغیان می‌آورد؛ علت آن را طبیعت قدرت می‌داند(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). ایشان همچنین بـر این حقیقت تأکید می‌ورزد که این مسئله، صـرفاً یـک نظریـه انتزاعـی نیسـت؛ بلکـه واقعیتی است که باید با سازوکارهای عملی با آن مواجه شد. از منظر ایشـان، قـدرت مانند یک سیلاب است که اگر مهار نشود، ویران می‌کند؛ اما اگر مهار شود، مـی‌توانـد

به آبادانی و پیشرفت بیانجامد. ایشان در بیانات خود به ابعاد مختلف این مهـار اشـاره کرده و آن را نه‌تنها یک وظیفه برای حاکمیت، بلکه یک مسئولیت همگانی برای مردم عنوان می‌کند.

از این‌رو، این مقاله با فراتر رفتن از تحلیل‌های تـک‌بعدی(صـرفاً اخلاقـی یـا صـرفاً نهادی)، بر آن است تا نظریه مهار قدرت سیاسی در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبـری را به‌عنوان یک الگوی سیستمی و دومحوری تبیین نماید. نوآوری محوری پژوهش در این است که نشان می‌دهد مهار قدرت در این دیدگاه، نه یک پدیده خطی، بلکه یک فرآینـد سیستمی است که در آن، سازوکارهای مهار به دو دسته اصـلی تقسـیم مـی‌شـوند: اول، سازوکارهای اخلاقی(درونی) که مربوط به بعد روانی و اخلاقی حاکمان است و به‌مثابه شرط لازم عمل می‌کند. دوم، سازوکارهای سیاسی(بیرونی) که بـه بعـد اجتمـاعی مهـار قدرت می‌پردازد و به‌مثابه شرط کافی و ضامن استمرار سلامت نظام تلقی می‌شود. ایـن تقسیم‌بندی و تبیین لزوم و کفایت متقابل میان دو رکن، به درک بهتر تعامل میـان درون و بیرون در فرآیند مهار قدرت کمک شایانی می‌کند. سهم علمی این پژوهش در حـوزه حکمرانی صالح است(امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵، ج۱، ص۲۰).

چارچوب مفهومی: الگوی سیستمی دومحوری مهار قدرت

از منظر مقام معظم رهبری، حکمرانی مطلوب که مـی‌تـوان آن را حکمرانـی صـالح نامید، بر یک الگوی نظری جامع و سیستمی استوار است که سلامت و کارآمـدی نظـام را در تعامل دو رکن کلیدی تضمین می‌کند. ایشان با بیان اینکه قدرت اگر مهـار نشـود، طغیان می‌آورد، آن را طبیعت قدرت می‌داند(امام خامنه‌ای، بیانات در دیـدار بـا اعضـای مجلس خبرگان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹) و بر این حقیقت تأکید می‌ورزد کـه ایـن مهـار بایـد از ابزاری صرفاً سیاسی فراتر رفته و به یک سازوکار دائمی و چندجانبه تبدیل شـود(همو، ۱۳۷۲، ج۶، ص۱۲۰). بر اساس تحلیل بیانات ایشان، الگوی سیستمی دومحـوری مهـار قدرت در اندیشه قرآنی رهبری، شامل دو بعد مکمل اسـت کـه بـه‌طـور سـاختاری بـه یک‌دیگر وابسته هستند.

رکن اخلاقی(درونی): شرط لازم حکمرانی صالح

این رکن به بعد درونی، شخصیتی و تربیتی حاکمان و کارگزاران باز مـی‌گـردد و در این مدل، نقش شرط لازم(ضرورت اولیه) را ایفا می‌کند. در این دیدگاه، تقوا و عـدالت فردی نه فقط فضائل شخصی، بلکـه مهـم‌تـرین فیلترهـای ورودی و عوامـل بازدارنـده قصدی در برابر فساد محسوب می‌شوند. تقوا در اینجا به‌عنوان یک نیروی کنترل کننـده درونی عمل کرده که ریشـه در نظـارت الهـی دارد و مسـئولان را آگاهانـه از تمـایلات نفسانی و سوء استفاده از قدرت بازمی‌دارد تا آنها در مسیر حق و عدالت گـام بردارنـد. مقام معظم رهبری تصریح می‌کند که هیچ ساختار سیاسی ـ هرچقـدر هـم کـه کامـل و مستحکم باشد ـ بدون وجود مسئولانی با تقوا و عدالت‌محور، نمی‌تواند به هدف خـود برسد. تقوای درونی حاکم، مبانی مشروعیت اخلاقی نظام را تضمین کرده و زمینـه‌سـاز اعتماد عمومی است(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۷۷/۶/۲۹ و همـو، ۱۳۷۵، ج۱۱، ص۵۰). در این ساحت، عدالت فردی به‌معنای نهادینه شـدن اصـل اقامـه حق درون حاکم است تا حاکم، پیش از هر نظارت بیرونی، خـود را ملـزم بـه دوری از انحصارطلبی، جاه‌طلبی و خودرأیی بداند(همو، ۱۳۷۴، ج۹، ص۸۲-۸۰). در غیاب ایـن مهار درونی، ساختارهای بیرونی صرفاً چارچوب‌هـای قـانونی بـرای اجـرای اراده‌هـای فاسد خواهند بود و به‌جای کنترل قدرت، به ابزاری بـرای قـانونی‌سـازی فسـاد و سـتم تبدیل می‌شوند(همو، بیانـات در دیـدار مسـئولان و کـارگزاران نظـام، ۱۳۸۵/۵/۱۸). از این‌رو، رکن اخلاقی به‌مثابه ستون فقرات مهار عمل می‌کند و در فرآیند سیستمی، اولین خط دفاعی در برابر طغیان قدرت است(همو، ۱۳۷۳، ج۸، ص۱۱۰).

رکن سیاسی(بیرونی): شرط کافی حکمرانی صالح

این رکن بر نقش فعال، دائمی و ساختاری مردم در فرآیند حکمرانی تأکیـد دارد کـه در این مدل، به‌عنوان شرط کافی و ضامن استمرار سلامت نظام تعریف می‌شود. در این چارچوب، مردم صرفاً شهروندانی منفعل نیسـتند؛ بلکـه نـاظران فعـال و مشـارکت‌جـو هستند که وظیفـه دارنـد بـر اعمـال مسـئولان نظـارت کننـد. ایـن مشـارکت از طریـق

سازوکارهایی مانند نظارت عمومی ـ که بارزترین نمونه آن فریضه امر به معروف و نهی از منکر است ـ، نقد سازنده و مشورت و رایزنی تبلور می‌یابد. از دیدگاه ایشان، مشارکت و نظارت مردم، به‌عنوان یک عامل بیرونی و سازوکار اصلاحی و کارکردی، از استبداد رأی و انحصار قدرت جلوگیری می‌کند(امام خامنه‌ای، بیانات در جمع دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۸۲/۸/۱۲ و همو، ۱۳۷۵، ج۷، ص۱۰).

در چارچوب الگوی سیستمی دومحوری، ساختارهای سیاسی نقش حیاتی در عینیت بخشیدن به رکن بیرونی و تضمین پاسخ‌گویی دارند. مقام معظم رهبری با تأکید بر لزوم نظارت، نهادهای رسمی را ابزارهایی برای تحقق عملی اقامه حق و جلوگیری از فساد در سطوح مختلف حاکمیت می‌داند. این نظارت نهادی، تجلی شرط کافی مهار قدرت است که عدم عصمت انسان را مفروض می‌گیرد و یک سازوکار قانونی دائمی برای جلوگیری از انحراف فراهم می‌کند. در نظام جمهوری اسلامی، این سازوکارهای ساختاری شامل نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی(از طریق ابزارهای تحقیق و تفحص، سؤال و استیضاح) برای نظارت بر قوه مجریه، سازمان بازرسی کل کشور (به‌عنوان ناظر بر حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری) و دیوان محاسبات کشور(به‌عنوان ناظر بر اجرای صحیح بودجه و هزینه‌های عمومی) هستند. این ساختارها، ابزارهای عینی هستند که نظارت عمومی و مطالبه عدالت را در سطح ساختاری عملی می‌ساخته و فساد عملکردی را کشف و مهار می‌کنند(همو، ۱۳۷۸، ج۱۴، ص۶۰).

رکن سیاسی مهار قدرت، با فرض غیر معصوم بودن کارگزاران و احتمال خطای ناخواسته در میان عموم مسئولان، یک سیستم پشتیبانی مضاعف ایجاد می‌کند. این رکن اطمینان می‌دهد که حتی اگر مهار درونی هر مقام و مسئولی در لحظه‌ای دچار سستی یا لغزش شود، نظارت عمومی و نهادی به‌عنوان خط دوم دفاعی فعال شده و انحرافات را در مراحل اولیه تشخیص و اصلاح نماید. نظارت مردمی، قدرت را وادار به پاسخ‌گویی مستمر می‌کند و مانع از آن می‌شود که مسئولان، خود را مصون از نقد و خطا بدانند. بنابراین، رکن سیاسی مهار قدرت، نه‌تنها بر نقش فعال مردم تأکید دارد، بلکه بر نهادینه شدن این نقش در

ساختارهای قانونی و رسمی نظام نیز اصرار می‌ورزد تا پاسخ‌گویی به یک فرآیند ساختاری و مستمر تبدیل شود.

تعامل سیستمی و نوآوری مدل دومحوری

نوآوری برجسته مقام معظم رهبری در تبیین لزوم و کفایت متقابل میان این دو رکن است؛ به این معنا که هیچ یک از این دو رکن به‌تنهایی قادر به مهار قدرت و تضمین حکمرانی صالح نیستند. آنچه از تحلیل دیدگاه‌های ایشان استنباط می‌شود، این است که نظریه ایشان، برخلاف دیدگاه‌های تک‌بعدی ـ که صرفاً بر مهار اخلاقی یا صرفاً بر مهار نهادی تأکید دارند ـ، بر هم‌افزایی و تعامل ساختاری مستمر میان این دو رکن استوار است(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). در این الگوی سیستمی دومحوری، اخلاق درونی(شرط لازم) بنیان و مشروعیت را فراهم می‌کند و نظارت بیرونی(شرط کافی) تضمین و استمرار آن مشروعیت را در حوزه عمل سیاسی بر عهده می‌گیرد. این چارچوب نظری، مهار قدرت را همچون یک سیستم دووجهی می‌داند که هر ضلع آن، ضامن استحکام و کارآمدی ضلع دیگر است. در این سیستم، اخلاق مسئولان به نظارت مردمی مشروعیت عمل می‌بخشد. نظارت مردم، قانون را از انحراف و مسئولان را از فساد بازمی‌دارد و ساختارهای قانونی چارچوبی پایدار برای عمل به وظایف اخلاقی و سیاسی فراهم می‌کنند. این مدل نه‌تنها به‌دنبال جلوگیری از فساد است(بازدارنده سلبی)، بلکه هدف نهایی آن، ایجاد یک حکمرانی صالح و پایدار(هدف ایجابی) است که در آن، قدرت از ابزار سلطه به وسیله‌ای برای خدمت و تحقق عدالت تبدیل می‌شود. این نگاه، ماهیت پویای اندیشه سیاسی اسلامی را در پاسخ به چالش‌های حکمرانی معاصر و ضرورت پاسخ‌گویی دوطرفه(به خدا و به مردم) نشان می‌دهد.

پیشینه تحقیق

در زمینه مهار قدرت در اندیشه سیاسی اسلامی، چندین پژوهش کلیدی صورت

گرفته است که هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع پرداخته‌اند. ایـن بررسـی، بـه‌منظـور نشان دادن جایگاه منحصر به‌فرد این مقاله در تبیین الگوی نظری دومحوری مهار قـدرت، صورت می‌گیرد. پژوهش‌ها در این حـوزه عمـدتاً در دو جریـان اصـلی دنبـال شـده‌انـد: نخست، پژوهش‌های دارای رویکرد نهادی ـ ساختاری که بر ابزارهای حقـوقی و سیاسـی تأکید دارند؛ مانند کتاب «نظارت و پاسخ‌گویی در نظـام اسـلامی» اثـر حـاجی‌زاده کـه بـه نهادهای قانونی مهار قدرت می‌پردازد. یا کتاب «مهار قـدرت در مـردم‌سـالاری دینـی بـر اساس دیدگاه‌های امام خمینی﵀ و قانون اساسی» اثـر امینـی کـه بـر نقـش سـازوکارهای مبتنی بر مردم‌سالاری تمرکز دارد. همچنین مقاله «نظارت بر قـدرت و مهـار آن در نظریـه ولایت مطلقه فقیه...» اثر عباس‌تبار و حسینی نیز بر نظارت‌های نهادی و سـاختاری تأکیـد می‌ورزد. این دسته از پژوهش‌ها، اگرچه به جنبه‌های مهمی از مهار قدرت می‌پردازند، امـا رویکردی نهادی دارند و از تبیین تعامل سیستمی این ابزارها با ابعاد اخلاقی و فردی مهـار قدرت غفلت کرده‌اند.

جریان دوم، پژوهش‌های دارای رویکرد اخلاقی ـ فردی هستند که بر اصلاح درونی مسئولان تمرکز می‌کنند؛ مانند مقاله «نقش اخـلاق سیاسـی در محدودسـازی قـدرت از منظر قرآن» اثر موسوی که به نقش فضایل اخلاقی چون تقوا و عدالت در جلـوگیری از سوء استفاده از قدرت می‌پردازد، یا پژوهش «الگوی مهار قدرت سیاسی در اندیشه امـام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسـلامی بـا تاکیـد بـر ظرفیـت‌هـای تقـوا و عـدالت» اثـر سیدباقری و طالبی‌چاهوکی که بر اهمیت ظرفیت‌های اخلاقی تأکید مـی‌ورزد. همچنـین پایان‌نامه «امر به معروف و نهی از منکر به‌مثابه سـازوکار نظـارت مردمـی» اثـر بـاقری، صرفاً بر یک سازوکار تمرکز دارد و از پرداختن به سایر ابعـاد مهـار قـدرت در اندیشـه اسلامی و ارتباط آنها با یکدیگر خودداری کرده است.

آنچه این مقاله را از تحقیقات پیشین متمایز می‌سازد، در سه محور اصـلی متمرکـز بـر تولید نظریه است: نخست، جامعیت و الگوی سیستمی؛ پژوهش‌های قبلی عمدتاً بـر یـک بعد خاص متمرکز بوده‌اند؛ اما این مقاله با فراتر رفتن از این نگاه، نشان می‌دهـد کـه مهـار قدرت یک پدیده هم‌افزا و در هم تنیده اسـت و موفقیـت در آن نیازمنـد همـاهنگی میـان

تمام ابعاد است. دوم، تفسیر نظری اندیشه رهبری؛ این مقاله به‌صورت متمرکز به اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری پرداخته و الگوی ایشان را به‌عنوان یک مدل نظری منسجم تحلیل می‌کند. سوم، تئوریزه کردن رابطه(تبیین الگوی لازم و کافی)؛ این مقاله با استخراج یک الگوی نظری جدید از اندیشه ایشان، به دانش موجود در این حوزه می‌افزاید، الگویی که در آن تقوای درونی حاکم(رکن اخلاقی) به‌مثابه فیلتر اولیه و بازدارنده قصدی(شرط لازم) و نظارت فعال مردمی(رکن سیاسی) به‌مثابه تضمین کننده و بازدارنده عملکردی(شرط کافی) عمل می‌کند. این تبیین سیستمی، وجه ممیز و سهم علمی این مقاله در ادبیات مربوطه را تثبیت می‌کند و راه را برای پژوهش‌های آینده در زمینه حکمرانی صالح هموار می‌سازد.

سازکارهای اخلاقی مهار قدرت

مهار قدرت، پیش از هر چیز، در نهاد و سرشت انسان ریشه دارد. هنگامی که باورها، هنجارها و ارزش‌ها در لایه‌های درونی فرد نهادینه شوند، او به‌طور خودکار به الزامات اخلاقی جامعه احترام می‌گذارد و بدون نیاز به دخالت نهادهای بیرونی، از قدرت خود سوء استفاده نمی‌کند(کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص۳۴۵). در ادبیات علوم سیاسی، این فرآیند با عنوان «مهار درونی» قدرت شناخته می‌شود. این سازوکار، بر این اصل استوار است که فرد قدرت‌مند از طریق یک نیروی وجدانی و اخلاقی، اعمال خود را کنترل می‌کند و تمایلات نفسانی خود را مهار می‌سازد. مقام معظم رهبری بر این حقیقت بنیادین تأکید دارد که مهم‌ترین مهار قدرت، درونی است. ایشان قدرت را همچون سیلی می‌دانند که اگر مهار نشود، ویران می‌کند(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ج۶، ص۳۰ و همو، بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). از منظر ایشان، در جامعه اسلامی، این مهار درونی با دو مفهوم کلیدی «تقوا» و «عدالت فردی» شکل می‌گیرد. ایشان در بیانات خود به صراحت بیان می‌دارد که: «قدرت اگر مهار نشود، طغیان می‌آورد؛ این طبیعت قدرت است»(بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). این دیدگاه به چالش نظریات دیگری همچون نظریه تفکیک قوا می‌پردازد که در نقد آنها گفته می‌شود تقسیم قدرت در سه قوه، به

موازات خود، تقسیم فساد را نیز به همراه دارد و تنها راه حل بنیادین، تأکید بر صلاحیت‌های اخلاقی و عنصر تقواست(مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص۱۲۸). در این چارچوب نظری، تقوا صرفاً یک مفهوم عبادی نیست؛ بلکه یک هوشیاری دائمی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی است که فرد را در تمام تصمیماتش از انحراف و جاه‌طلبی بازمی‌دارد. این نیروی درونی، در واقع یک خودکنترلی دائمی است که قبل از هر نظارت بیرونی، جلوی سوء استفاده از قدرت را می‌گیرد(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۳، ج۸، ص۱۱۰). برای مثال، یک مسئول با تقوا، حتی در غیاب ناظران، از رانت‌خواری و فساد دوری می‌کند؛ زیرا همواره تحت نظارت الهی است. عدالت نیز در این چارچوب، به‌معنای قرار دادن هر چیز در جای خود است و در بُعد درونی، حاکم باید به آن به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی باور داشته باشد تا منافع شخصی یا گروهی را بر عدالت و حق ترجیح ندهد. با این وجود، در اندیشه ایشان، مهار درونی به‌تنهایی کافی نیست. هرچند که داشتن ملکه تقوا برای حاکمان اسلامی یک شرط اساسی و لازم است؛ اما به‌دلیل غیرمعصوم بودن انسان، همواره احتمال خطا و انحراف وجود دارد. همچنین، همان‌گونه که در استدلال‌های فلسفی نیز مطرح است، نظارت بیرونی بر یک قدرت(الف) توسط قدرتی دیگر(ب) نیز به دلیل احتمال سوء استفاده(ب) از قدرت خود، به تسلسل نظارت‌های بیرونی منجر می‌شود که از نظر منطقی محال است(نبوی، ۱۳۸۳، ص۴۰۲-۴۰۱ و امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴، ج۹، ص۸۲). این امر نشان می‌دهد که اتکا به یک سازوکار مهار، چه درونی و چه بیرونی، کافی نخواهد بود. در نگرش اسلامی، کنترل بر خواهش‌های نفسانی و خودکنترلی از ارکان بنیادین زندگی هر فرد در تمامی ابعاد آن است. با این وجود، در حوزه قدرت که زمینه‌های بروز سرکشی و انحراف گسترده‌تر است، نیاز به خویشتن داری و تقوای درونی اهمیت و تأکید بیشتری دارد. این امر، بیان‌گر آن است که سازوکار اخلاقی، گرچه کامل نیست، اما بنیادی‌ترین اصل برای مهار قدرت است و سایر سازوکارها بر روی آن بنا می‌شوند. در ادامه، به بررسی تفصیلی دو مفهوم کلیدی عدالت و تقوا از منظر اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود.

عدالت

عدالت در اندیشه سیاسی اسلامی، مفهومی فراتر از یک اصل حقوقی یا یک فضیلت اخلاقی صرف است؛ بلکه به‌عنوان یک اصل بنیادین در حکمرانی و مهار قدرت، جایگاهی محوری دارد. مقام معظم رهبری با استناد به آموزه‌های قرآنی، بر این باور است که عدالت در تمام ابعاد آن، زیربنای یک نظام صالح است. در فرهنگ قرآن، عدالت مدار همه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فردی انسان است و به‌عنوان یک فرمان الهی مطرح شده است: «همانا خداوند به دادگری امر می‌کند»(نحل(۱۶): ۹۰)(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ج۶، ص۱۲۰). این اطلاق، بیانگر آن است که تمامی رفتارها، گفتارها و کردارهای فردی و جمعی باید متصف به انصاف و اقامه حق باشند. در اندیشه ایشان، عدالت ابتدا باید به‌عنوان یک ویژگی درونی و اخلاقی در فرد نهادینه شود. هرچند عدالت در بُعد اخلاقی و تهذیب نفس، به‌معنای اعتدال قوای نفس و دوری از افراط و تفریط است(طباطبایی، ۱۳۹۲ق، ج۱۲، ص۳۳۱)، اما در اندیشه سیاسی اسلامی، عدالت مفهومی فراتر و عمیق‌تر دارد. عدالت در این ساحت، به‌معنای قرار دادن هر شیء در جایگاه واقعی خود بر اساس معیار حق و حرکت در مسیر صراط مستقیم الهی است. این ویژگی درونی، موجب می‌شود که فرد قدرت‌مند، آگاهانه و از روی علم، ستم نکند و از مسیر حق منحرف نشود(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج۷، ص۱۰).

مقام معظم رهبری با تأکید بر این بعد، عدالت را از جمله شرایط اصلی برای رهبری جامعه می‌داند و معتقد است اگر در حاکم عدالت نباشد، مردم به او اعتماد نخواهند کرد(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۷۷/۶/۲۹). این بیانات به صراحت نشان می‌دهد که عدالت نه فقط یک فضیلت شخصی، بلکه شرط مشروعیت و پذیرش عمومی یک حاکم در نظام اسلامی است که در پرتو التزام عملی به حق حاصل می‌شود. از سوی دیگر، عدالت در اندیشه قرآنی، با یک نظارت درونی دائمی تقویت می‌شود. حاکم عادل، خداوند را ناظر بر تمامی اعمال و رفتارهای خویش می‌داند و در باور او خداوند حتی چشم‌هایی را که به خیانت می‌گردد و آنچه را که در سینه‌ها پنهان است، می‌داند(غافر(۴۰): ۱۹). این باور عمیق به نظارت الهی، که در قرآن به آن اشاره شده

است(مجادله(۵۸): ۶ و مائده(۵): ۱۱۷)، یک نیروی بازدارنده قدرت‌منـد درونـی ایجـاد می‌کند. مقام معظم رهبری در همین راستا، مراقبت از خویشتن را یک اصـل بنیـادین در تمام کارها، به‌ویژه در عرصه قدرت مـی‌داننـد کـه در آن زمینـه طغیـان و فسـاد بیشـتر است(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). این امـر بیان‌گر آن است که ایشان، نظارت درونی بر اساس آموزه‌هـای دینـی را بـه‌عنـوان یـک سازوکار حیاتی برای سلامت حکمرانی می‌بیند.

با این حال، باید در نظر داشت کـه در اندیشـه مقـام معظـم رهبـری، مهـار درونـی به‌تنهایی کافی نیست. در حالی که عدالت و تقوا، مهم‌ترین لایه مهار قدرت هستند، امـا به‌دلیل غیرمعصوم بودن انسان و احتمال خطـای ناخواسـته، سـازوکارهای بیرونـی نیـز ضروری است. عدالت در بُعد اخلاقی و فردی، زیربنای سـایر عـدالت‌هاسـت و باعـث می‌شود که عقل عملی فرد به عقل نظری گردن نهد(ابن‌مسکویه، ۱۳۹۸ق، ص۴۰). ایـن اعتدال درونی که زمینه‌ساز پذیرش حق است، انسان را آماده می‌کند تا وارد عرصه‌هـای سیاسی و اجتماعی شود و در آنها نیز به اقامه حق عمل کند. بـه تعبیـر امـام علـی علیه‌السلام، عدالت یکی از چهار فضـیلت اصـلی انسـان اسـت کـه در اعتـدال قـوای نفـس ریشـه دارد(مجلسی، ۱۳۶۲، ج۷۸، ص۸۱). در نهایت، از نگاه مقام معظم رهبـری، عـدالت در مقام یک سازوکار اخلاقی، بنیانی‌ترین اصل برای مهار قدرت است که سایر سازوکارها، چه سیاسی و غیره، بر روی آن بنا می‌شـوند. ایشـان در یکـی از بیانـات خـود تصـریح می‌کند: «اگر ما بخواهیم عدالت را در جامعه پیاده کنیم، باید مسئولان مـا عـادل باشـند؛ اگر مسئولان عادل نباشند، عدالت پیاده نخواهد شد»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیـدار بـا مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۵/۱۸). این بیان، به وضوح نشان می‌دهـد کـه ایشـان عدالت درونی مسئولان را پیش‌شرط هرگونه عدالت اجتماعی و سیاسی می‌داند.

تقوا

تقوا و عدالت، مفاهیمی با تعامل و ارتبـاطی بسـیار نزدیـک بـه یـک‌دیگـر هسـتند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تقوا، زمینه‌ساز عدالت و عدالت، تجلـی تقواسـت. تقـوا، در

لغت به‌معنای حفظ جان از آنچه ترس‌آور است(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۸۸۱) و به تعبیر دیگر، نوعی خودکنترلی درونی است که فرد را از گناه و انحراف باز می‌دارد. به‌همین دلیل است که تقوا را امری پیشینی نسبت به عدالت می‌دانند؛ زیرا تا زمانی که فرد نفس خود را مهار نکند، به عدالت دست نمی‌یابد(امین اصفهانی، ۱۳۶۱، ج۴، ص۲۷۴). در همین راستا، قرآن کریم تأکید می‌کند: «**اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى**؛ عدالت بورزید؛ زیرا عدالت به تقوا و پرهیزکاری نزدیک‌تر است»(مائده(۵): ۸). این آیه، ارتباط عمیق میان این دو مفهوم را نشان می‌دهد و تأکید دارد که رعایت عدالت، فرد را به دایره پرهیزکاری وارد می‌کند.

مقام معظم رهبری با استناد به این آموزه‌های قرآنی، تقوای فردی را سنگ بنای تقوای سیاسی می‌داند. از نگاه ایشان، تقوای سیاسی یعنی اینکه مسئولان در عرصه عمل سیاسی ـ اجتماعی، از خداوند پیروی کنند و قدرت را نه برای خواسته‌های شخصی، بلکه به‌عنوان فرصتی برای خدمت و اجرای امر الهی ببینند. این تقوا است که گفتارها را استوار می‌سازد؛ آنجا که قرآن می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلاً سَدِيداً**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خداوند پروا داشته باشید و سخنی استوار بگویید»(احزاب(۳۳): ۷۰)(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج۷، ص۳۰).

ایشان معتقد است که تقوا قدرتی درونی و مقدس است که با ایجاد حس مسئولیت و مراقبت ویژه در عملکرد مقامات، آنان را از هرگونه افراط، تعدی و ستم‌گری باز می‌دارد. ایشان در بیانات خود تصریح می‌دارد: «آن کس که بنده و مطیع پول و مقام است نمی‌تواند در اجتماع، آزاد زندگی کند»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۱/۵/۲۸). این بیان نشان می‌دهد که تقوا در درجه اول آزادی‌بخش انسان است. در نتیجه، فردی که از پرهیزکاری سیاسی برخوردار است، به قدرت به‌عنوان ابزاری برای خدمت نگاه می‌کند که هدفی فراتر از منافع شخصی دارد. چنین شخصی، عملکردهای خود را در راستای منافع عمومی و خیر همگانی تنظیم می‌کند(نبوی، ۱۳۸۳، ص۳۸۷). در جهت مقابل، فقدان تقوا به ظلم و ستم می‌انجامد. خداوند در قرآن، ظالمان را از مقام امامت محروم می‌سازد: «**قَالَ لا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ**؛ فرمود عهد و پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد»(بقره(۲): ۱۲۴).

در این آیه، ظلم به‌معنای خروج از دایره تقوا و شایستگی است. به‌همین دلیل است که قرآن، تقوا و پرهیزکاری را شرط دست‌یابی به قدرت می‌داند. رهبر معظم انقلاب در همین زمینه بیان می‌دارد: «ملاک حرکت در نظام اسلامی باید تقوا باشد... هر کسی در هر جا هست باید این ملاک را حفظ کند»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۷۹/۴/۶). در داستان حضرت یوسف علیه‌السلام، قدرت‌یافتن او در مصر و وعده اجر الهی، در ارتباط با تقوا و صبر ایشان بیان می‌شود: «**إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ**؛ هر کس تقوا پیشه کند و صبر نماید، خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد»(یوسف(۱۲): ۹۰). بنابراین، تقوا یک نیروی بازدارنده اخلاقی است که فرد را در فرآیندی مطمئن، از ستم عمدی به دیگران بازمی‌دارد. این امر در آیات قرآن نیز تأیید می‌شود؛ آنجا که خداوند عدم تجاوز به حقوق دیگران را در کنار تقوا قرار می‌دهد: «**وَلا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ**؛ و بر گناه و تجاوز، هم‌دیگر را یاری نکنید و از خداوند پروا داشته باشید»(مائده(۵): ۲). این نیروی درونی و همیشگی، جریان مطلوب قدرت را تضمین می‌کند و آن را از انحراف و سرکشی احتمالی، دور می‌سازد؛ همان‌گونه که رهبری تصریح می‌کند: «تقوا در همه میدان‌ها لازم است؛ در میدان قدرت، لازم‌تر»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). به فرموده امام علی علیه‌السلام، تقوای الهی، اولیای خداوند را نسبت به امور حرام خداوند، پشتیبانی می‌کند و ترس از خدا را همراه دل‌های آنان می‌گرداند(همو، ۱۳۷۲، ج۶، ص۳۰ و نهج‌البلاغه، خطبه۱۱۴).

در ادامه، تنها به برخی از پیامدهای مهمی اشاره خواهد شد که در آنها، پرهیزکاری نقشی اساسی در اجرای صحیح قدرت و کنترل اخلاقی آن ایفا می‌کند:

دوری از جاه‌طلبی

یکی از مهم‌ترین نتایج پرهیزکاری در سیاست، فاصله گرفتن از بلندپروازی‌های شخصی و تمایل به انحصار قدرت است. این دو مفهوم، از منظر قرآن کریم و اندیشه اسلامی، ریشه در بی‌تقوایی دارند و می‌توانند جامعه را به‌سمت فساد و ویرانی بکشانند.

قرآن در آیه ۸۳ سوره قصص، بر این حقیقت تأکید دارد: «**تِلْکَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِینَ لا یُرِیدُونَ عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ وَلا فَسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ**؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام خوش از آنِ پرهیزکاران است»(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج۱۱، ص۱۱۰). این آیه به‌روشنی نشان می‌دهد که جاه‌طلبی(**عُلُوًّا فِی الْأَرْضِ**) در کنار فساد، مانعی برای دست‌یابی به رستگاری اخروی است. مقام معظم رهبری با تحلیل این آیه، جاه‌طلبی را نقطه مقابل تقوا می‌داند. ایشان در یکی از بیانات خود می‌گوید:

> آن کسی که دنبال جاه‌طلبی است، دنبال مقام است، دنبال این است که در زمین علوّ پیدا کند، دنبال این است که فساد ایجاد کند، این آدمی است که با تقوا نمی‌تواند جمع شود(همو، بیانات در دیدار با اعضای خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

این بیان، یک رابطه مستقیم و سلبی بین جاه‌طلبی و تقوا برقرار می‌کند. اگر انسان از معیارها و هنجارهای تقوا دور شود، به مقام و نعمت‌های ظاهری دنیا دل می‌بندد؛ مانند فرعون که با جاه‌طلبی خود، به موسی علیه‌السلام می‌گفت: «**لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهاً غَیْرِی لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْجُونِینَ**؛(شعرا(۲۶): ۲۹) و در برابر مردم، به ثروت و قدرت خود فخر می‌فروخت و می‌گفت: **أَلَیْسَ لِی مُلْکُ مِصْرَ وَهَذِهِ الأَنْهَارُ تَجْرِی مِنْ تَحْتِی أَفَلَا تُبْصِرُونَ**؛ مگر نمی‌بینید که پادشاهی مصر و نهرها که از زیر کاخ‌های من روان است از آنِ من نیست؟»(زخرف(۴۳): ۵۱). از نگاه مقام معظم رهبری، مهار درونی جاه‌طلبی، از مهم‌ترین وظایف یک مسئول در نظام اسلامی است. ایشان تأکید می‌کند: «آخرین چیزی که از قلب‌های صدیقین و پاکان از درگاه الهی خارج می‌شود، حب جاه و حب ریاست است»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با طلاب، ۱۳۷۸/۲/۷).

این بیان نشان‌دهنده عمق و سختی مبارزه با جاه‌طلبی است و لزوم خودسازی و مراقبه دائمی را یادآور می‌شود. اگر فرد بی‌تقوا به قدرت برسد، هیچ مهارگر بیرونی نمی‌تواند به‌طور کامل جلوی فساد او را بگیرد. جاه‌طلبی سیاسی، سرچشمه رفتارهای ضداخلاقی گوناگون نظیر چاپلوسی، فخر فروشی و حفظ قدرت برای خود قدرت

می‌شود. بنابراین، دوری از جاه‌طلبی، پیامد مستقیم تقوا و شرط لازم برای یک حکمرانی سالم و اخلاقی است. به تعبیر مقام معظم رهبری، تقوا به‌معنای حفظ خود در برابر وسوسه‌ها است و این وسوسه‌ها در عالم قدرت، بیشتر از همه در قالب جاه و مقام خود را نشان می‌دهند. تقوا به‌معنای این است که انسان خود را در مقابل وسوسه‌هایی که در راه است حفظ کند(همو، بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۵/۱۸). این خودحفاظتی، مسئول را از آلوده شدن به انحرافات سیاسی و اخلاقی بازمی‌دارد و مسیر را برای تحقق عدالت هموار می‌سازد.

شرح صدر و شکیبایی

یکی از پیامدهای حیاتی تقوای سیاسی و اخلاق در حکمرانی، شرح صدر و شکیبایی است. هنگامی که فرد به قدرت می‌رسد، ممکن است در معرض توهم بی‌خطایی قرار گیرد و خود را در دایره‌ای بسته و انحصارطلبانه حق بداند. این نگرش خودمحورانه، موجب می‌شود که او رأی و نظر مخالفان را باطل تلقی کند و در برابر انتقادات، ظرفیت و گشاده‌رویی لازم را از دست بدهد. در چنین شرایطی، قدرت به ابزاری برای سرکوب و حذف مخالفان تبدیل می‌شود و تنها چاپلوسان و افراد هم‌سو در اطراف حاکمان باقی می‌مانند.

در اندیشه مقام معظم رهبری، شرح صدر یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای رهبران سیاسی و اجتماعی است. ایشان با اشاره به درخواست حضرت موسی علیه‌السلام از خداوند قبل از رویارویی با فرعون «**قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِی صَدْرِی**؛ گفت: پروردگارا! سینه‌ام را گشاده گردان(طه(۲۰): ۲۵)، این ویژگی را به‌عنوان یک نیاز بنیادین برای موفقیت در یک مأموریت خطیر مطرح می‌کند(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج۷، ص۱۰). این درخواست نشان می‌دهد که مسئولان برای تحمل مشکلات، نقدها و سختی‌های مسیر، به گشایش درونی و سعه صدر نیاز دارند. در همین راستا، ایشان در یکی از بیانات خود، شکیبایی و صبر را از ویژگی‌های اصلی مسئولان برمی‌شمرد: «مسئولین بایستی سعه صدر داشته باشند، ظرفیت داشته باشند، در مقابل مشکلات بایستی صبور باشند»(همو، بیانات در

دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۹). شرح صدر به صاحب قدرت امکان می‌دهد در برابر گفتار و فعل دیگران ـ تا جایی که مصالح امت اسلامی اقتضا دارد ـ شکیبایی کند و با مدارا و خویشتن داری، مسائل را مدیریت نماید. این فضیلت، او را از کاربست خشونت‌آمیز و فساد انگیز قدرت بازمی‌دارد. تقوای سیاسی، در عمل به این فضیلت، حاکم را از سرکوب و حذف مخالفان صرفاً به‌دلیل مخالفت، دور می‌سازد.

به تعبیر مقام معظم رهبری، شرح صدر برای مسئولان لازم است؛ حتّی اگر مخالفِ او باشد، باید بتواند حرف او را بشنود(همو، بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹). این دیدگاه، پذیرش تنوع آرا و فراهم کردن فرصت نقد سازنده را به‌عنوان یکی از اصول اخلاقی حکمرانی مطلوب نشان می‌دهد. همچنین، قرآن کریم در توصیف حضرت ابراهیم علیه‌السلام به‌عنوان یک الگوی الهی، بر ویژگی حلم و بردباری ایشان تأکید می‌کند: «**إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ**؛ همانا ابراهیم بسیار مهربان و بردبار است»(توبه(۹): ۱۱۴). این آیه، الگوی حکمرانی را بر پایه رأفت، مدارا و بردباری بنا می‌کند(همو، ۱۳۷۲، ج۶، ص۳۲۰). مقام معظم رهبری نیز با اشاره به این مفاهیم قرآنی، بر لزوم حلم، صبر و گذشت برای مسئولان تأکید دارند و آن را عامل مهمی در حفظ وحدت و انسجام جامعه می‌داند(همو، بیانات در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۸۵/۵/۱۸).

استواری گفتار

یکی از اساسی‌ترین پیامدهای تقوای سیاسی که در مهار درونی قدرت نقشی محوری دارد، استواری و عدالت در گفتار است. سوء استفاده از قدرت، تنها به اعمال محدود نمی‌شود؛ بلکه در ساحت گفتار نیز نمود می‌یابد. استواری گفتار شامل حفظ زبان، رعایت آبروی مؤمنان، صداقت و راستی است و زمینه یک‌پارچگی جامعه و مشروعیت حکمرانی را فراهم می‌سازد. قرآن کریم به‌روشنی بر این اصل تأکید دارد: «**وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**؛ و چون سخن گویید، دادگری کنید، هرچند [در مورد] خویشاوند

[شما] باشد و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که خدا شما را به آن سفارش کـرده است، باشد که پند گیرید(انعام(۶): ۱۵۲). این آیه، عدالت در گفتار را تا جایی گسترش می‌دهد که حتی در مورد نزدیک‌ترین افراد نیز باید رعایت شود(امام خامنـه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۴۲-۴۰).

از منظر مقام معظم رهبری، عدالت در گفتار، یک شـاخص مهـم بـرای تشـخیص سلامت یک نظام سیاسی است. ایشان قدرت و جایگاه مسئولان را بـه‌عنـوان ابـزاری برای بیان حقیقت دانسته و سوء استفاده از آن برای فریب یا تهمت را مصـداق فسـاد می‌شمارد. ایشان در یکی از بیانات خود می‌گوید: «تقوا یعنی از زبان خودمان، از قلـم خودمان، از عمل خودمان حراست کنیم، که مردم را گمـراه نکنـیم»(همـو، بیانـات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۰/۸/۲۲). این سخن، مسئولیت سنگین صاحبان قدرت در قبال گفتار خود را نشان می‌دهد. مقام معظم رهبـری تأکیـد دارنـد کـه نطـق و گفتـار کـه امتیازی بزرگ برای مفاهمه و هم‌بستگی اجتماعی است، اگر همراه با عدالت و راستی نباشد، به گسست‌های اجتماعی و کینه‌ها منجر می‌شود و مسـیر جامعـه را از حرکـت به‌سوی اهداف عالی دور می‌سازد: «یکی از تقواها این است که انسان در اظهار نظر و قضاوت، تقوا داشته باشد؛ بی‌تقوایی در قضاوت، خیلی چیز بدی است»(همو، بیانـات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۷۷/۶/۲۹). این بیان، زنگ خطری است برای کسانی که از قدرت خود برای تهمت زدن یا قضاوت‌هـای نادرسـت اسـتفاده مـی‌کننـد. بنـابراین، استواری گفتار تنها یک فضیلت اخلاقی فردی نیست؛ بلکه یک رکن اساسی در مهـار درونی قدرت است که به‌صورت خودکار، جلوی فساد را می‌گیـرد. بـا نهادینـه شـدن تقوای سیاسی در میان کارگزاران، آنها به این باور می‌رسند که قـدرت سـخن، امـانتی الهی است و باید در جهت گسـترش حقیقـت و ارزش‌هـا بـه‌کـار گرفتـه شـود. ایـن مهم‌ترین جنبه مهار درونی است که ایشان بر آن تأکید دارد: «آنچـه کـه مـی‌توانـد در یک حکومت اسلامی، صاحبان قدرت را و حتی آحاد مردم را در صراط مستقیم نگـه دارد، فقط و فقـط تقواسـت»(همـو، بیانـات در دیـدار بـا اعضـای مجلـس خبرگـان، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

سازوکارهای سیاسی مهار قدرت

بحث از مهار قدرت، به دو حوزه متمایز اما مکمل، یعنی مهار درونی و مهار بیرونی، تقسیم می‌شود. هرچند تقوای درونی و عدالت‌محوری حاکمان، از مطمئن‌ترین روش‌های کنترل قدرت است؛ اما به دلایل متعدد، نمی‌توان صرفاً به آن بسنده کرد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، تکیه مطلق بر تقوای درونی دارای اشکالاتی است؛ چراکه تقوا و عدالت، ملکه‌ای قابل زوال و در معرض ریاکاری است و از سوی دیگر، تشخیص واقعی آن دشوار است. علاوه بر این، ایشان به خطرات سوء استفاده‌های ناخواسته و ناآگاهانه از قدرت نیز اشاره می‌کند. یک مسئول ممکن است با نیت خیر و پرهیزکاری، به‌دلیل پیچیدگی‌های جامعه و سیاست، دچار خطا شود و بدون آنکه قصد ظلم داشته باشد، به جامعه آسیب برساند. به‌همین دلیل است که برای کاهش ضریب خطا و جلوگیری از سوء استفاده‌های آگاهانه و ناآگاهانه، اتکا به خرد جمعی و سازوکارهای نظارتی بیرونی ضروری است.

رهبر معظم انقلاب در تبیین این ضرورت، بر نقش کلیدی نظارت همگانی و مسئولیت جمعی تأکید دارد. ایشان معتقد است که تک‌تک افراد جامعه باید در برابر آنچه از قدرت برمی‌خیزد، حساس باشند. این نگاه از آموزه‌های قرآنی الهام گرفته شده که امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه‌ای همگانی می‌داند. مقام معظم رهبری در این باره بیان می‌دارد: «نظارت یک وظیفه است... مسئولین همه باید زیر نظر باشند، همه باید زیر سؤال باشند»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مردم، ۱۳۸۳/۲/۲۶).

این بیان نشان می‌دهد که ایشان بر لزوم پاسخ‌گویی و کنترل قدرت در تمام سطوح تأکید دارد(همو، ۱۳۷۵، ج۷، ص۱۰). در اندیشه ایشان، نظارت بیرونی تنها به مسئولیت عمومی محدود نمی‌شود؛ بلکه باید در قالب سازوکارهای حقوقی و سیاسی الزام‌آور نیز تجلی یابد. این سازوکارها، بستر مشارکت عمومی و تعامل میان نیروهای اجتماعی را فراهم می‌آورند تا زمینه فساد قدرت از بین برود. از این‌رو، مهار قدرت در اندیشه قرآنی ـ سیاسی مقام معظم رهبری، یک فرآیند چندلایه و ترکیبی است که هم تقوای فردی و درونی حاکمان و هم نظارت جمعی و سازوکارهای بیرونی را در بر می‌گیرد.

این رویکرد، در برابر قدرت افسارگسیخته و خودکامگی، با اتکا به خرد جمعی و مسئولیت‌پذیری عمومی، سدی محکم ایجاد می‌کند:

> آنچه می‌تواند یک نظام را در مقابل دشمن نگه دارد، استحکام ساخت درونی است... این استحکام به این است که مردم و مسئولین، همه به یک‌دیگر اعتماد داشته باشند و همه در کنار هم باشند(همو، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۹۴/۲/۷).

مسئولیت همگانی

مهار قدرت، تنها به سازوکارهای درونی و نهادی محدود نمی‌شود؛ بلکه نیازمند مشارکت فعال و مسئولیت همگانی آحاد جامعه است. مراد از این مسئولیت، پاسخ‌گو بودن مردم در برابر اموری است که در پیرامونشان می‌گذرد. این احساس تعهد، قدرت حاکم را تحت نظارت دائمی قرار می‌دهد و حاکم درمی‌یابد که همواره با چشمانی تیزبین زیر ذره‌بین قرار دارد و هرگونه رفتار نادرست می‌تواند واکنش عمومی را در پی داشته باشد. در اندیشه دینی و قرآنی، هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است. در روایت نبوی بر این اصل تأکید شده است: «**کلّکم راع و کلّکم مسئول عن رعیته**؛ همه شما مسئولید و همه شما در برابر رعیت خود مسئولید»(متقی، ۱۴۱۹ق، ج۱۲، ص۵۶۲). قرآن نیز در آیات متعددی بر مسئولیت افراد و حتی پیامبران در روز قیامت تأکید می‌کند: «**وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ**»(صافات(۳۷): ۲۴) و «**فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ**»(اعراف(۷): ۶).

این آموزه‌ها، جامعه را به یک نهاد مسئول و بیدار تبدیل می‌کند که در برابر ظلم و فساد بی‌تفاوت نیست. مقام معظم رهبری با استناد به این اصول، مسئولیت همگانی را یکی از ارکان اصلی مهار قدرت در نظام اسلامی می‌داند. ایشان معتقد است که مردم نباید در برابر حوادث و رویدادهای جامعه منفعل باشند. به بیان ایشان: «مسئولیت فقط این نیست که ما بگوییم بروید نماز بخوانید، روزه بگیرید. مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی... بالاتر از اینهاست»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۱/۵/۲۸).

این دیدگاه، مسئولیت دینی را از دایره فردی خارج کرده و آن را به یک وظیفه اجتماعی و سیاسی ارتقا می‌دهد. از نگاه قرآنی، هرگونه تغییر و دگرگونی در سرنوشت جامعه، به دست خود مردم است: «**إِنَّ اللّهَ لا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**» (رعد(۱۳): ۱۱ و امام خامنه‌ای، ۱۳۷۳، ج۸، ص۱۰۰). این آیه، مردم را در برابر سرنوشت خود و جامعه مسئول می‌داند. بنابراین، فساد در خشکی و دریا نیز نتیجه اعمال خود انسان‌هاست: «**ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ**»(روم(۳۰): ۴۱).

مقام معظم رهبری با تحلیل آیه فوق، بر این باور است که مسئولیت همگانی، مردم را از سکوت در برابر فساد بازمی‌دارد: «مردم باید احساس مسئولیت کنند و خودشان ناظر بر اوضاع باشند»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم، ۱۳۷۹/۴/۶). این نظارت عمومی، به‌مثابه یک نیروی بازدارنده قدرت از انحراف عمل می‌کند. این رویکرد مسئولیت‌محور، مردم را موظف می‌کند که در برابر طاغوت‌ها که مظهر قدرت فاسد هستند، بایستند. قرآن امر می‌کند: «**وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ**»(نحل(۱۶): ۳۶ و همو، ۱۳۷۲، ج۶، ص۱۳۰). امر به رویارویی با طاغوت، وظیفه‌ای همگانی برای امت اسلامی است. از این‌رو، هر فرد مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه خود نقش دارد و این امر او را وامی‌دارد تا ناظری دقیق و مراقب اوضاع پیرامون خود باشد. این نظارت فراگیر، یکی از قوی‌ترین سازوکارهای مهار قدرت است که در آموزه‌های دینی و بیانات رهبری به آن تأکید شده است: «مهم‌ترین وظیفه مردم، مطالبه است و این مطالبه، باید دائمی باشد»(همو، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۵/۳/۵).

نظارت همگانی: امر به معروف و نهی از منکر

یکی از کارآمدترین سازوکارهای مهار بیرونی قدرت در اندیشه قرآنی، امر به معروف و نهی از منکر است که جلوه‌ای بارز از مسئولیت همگانی به‌شمار می‌آید. این فریضه، تنها یک وظیفه فردی نیست؛ بلکه یک مکانیسم نظارتی ـ اجتماعی است که سلامت جامعه و قدرت را تضمین می‌کند. اهمیت این آموزه در قرآن تا حدی

است که در برخی آیات پس از ایمان به خدا و روز قیامت ذکر شده است: «**يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ**؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده، فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند»(آل عمران(۳): ۱۱۴)(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۴، ج۹، ص۸۶-۸۵).

از نگاه مقام معظم رهبری، این فریضه، بنیان اصلاح اجتماعی و سیاسی است و خاموش نشستن در برابر فساد قدرت‌مندان، زمینه‌ساز نابودی جامعه است. قرآن با لحنی توبیخ‌آمیز، عالمان و خردمندان پیشین را که در برابر فساد سکوت کردند، سرزنش می‌کند: «**فَلَوْلا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلاً مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا**؛ پس چرا در نسل‌های پیش از شما، خردمندانی نبودند که مردم را از فساد در زمین بازدارند؟ مگر اندکی از کسانی که نجاتشان دادیم»(هود(۱۱): ۱۱۶). این آیه نشان می‌دهد که ترک امر به معروف و نهی از منکر، پیامدی جز نابودی ندارد(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ج۶، ص۳۲۰). مقام معظم رهبری تأکید می‌کند که این فریضه، با توجه به گسترش قدرت و پیچیدگی‌های جامعه، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند: «امر به معروف و نهی از منکر، یک وظیفه‌ی عمومی است... اگر بخواهیم جلوی فساد را بگیریم، راهی جز این نداریم»(همو، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۸/۲/۶).

ایشان امر به معروف را ضامن بقای اسلام و جامعه دانسته و آن را برتر از جهاد قلمداد می‌کند: «اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، کمتر از جهاد در راه خدا نیست»(همو، بیانات در جمع دانشجویان، ۱۳۸۱/۵/۲۸). این دیدگاه، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را از یک مسئله صرفاً اخلاقی به یک سازوکار حیاتی برای مهار قدرت در نظام اسلامی تبدیل می‌کند. کارکرد این آموزه قرآنی در مهار قدرت، از دو زاویه قابل بررسی است:

۱. همگانی بودن: این وظیفه ویژه فرد یا گروه خاصی نیست و تمامی افراد جامعه، چه مسئولان و چه مردم عادی، مخاطب آن هستند. قرآن امت اسلامی را به‌دلیل اجرای این فریضه، نیکوترین امت می‌خواند: «**كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ**

وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»(آل عمران(۳): ۱۱۰). این آیه، امر به معروف را بر ایمان به خدا مقدم می‌دارد تا نشان دهد که بدون اجرای آن، ریشه‌های ایمان در دل‌ها سست می‌گردد. همان‌طور که مقام معظم رهبری بیان می‌دارد: «امر به معروف و نهی از منکر، عامل بقای ایمان است»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم، ۱۳۷۹/۴/۶).

۲. فراگیری و پوشش کامل: در دنیای امروز، هیچ نهاد نظارتی دولتی، هرچقدر هم قدرت‌مند باشد، نمی‌تواند تمام فساد را مهار کند. اما اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نهادینه شود، تمامی افراد، به ناظران و حساب‌رسانی تبدیل می‌شوند که در هر مکان و زمانی حضور دارند. این امر، مسئولین را در سطوح مختلف وادار به پاسخ‌گویی می‌کند. این نظارت عمومی، به‌مثابه یک شالوده مستحکم، پایه‌های جامعه را در برابر فساد تقویت می‌کند و مانع از فروپاشی آن می‌شود.

نقد و نصیحت

یکی از حیاتی‌ترین سازوکارهای بیرونی مهار قدرت، فرهنگ نقد و نصیحت است. در آموزه‌های قرآنی، نصیحت به‌معنای خیرخواهی و ناب بودن گفتار یا کردار است و به‌عنوان وظیفه‌ای از سوی پیامبران الهی معرفی شده است. حضرت صالح علیه‌السلام در برابر قوم خود می‌گوید: «**فَتَوَلّی عَنْهُمْ وَ قالَ یا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُکُمْ رِسالَةَ رَبّی وَ نَصَحْتُ لَکُمْ وَ لکِنْ لا تُحِبُّونَ النّاصِحِینَ**؛ من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم، ولی شما خیرخواهان را دوست نمی‌دارید»(اعراف(۷): ۷۹). از نگاه مقام معظم رهبری، نقد و نصیحت، دو روی یک سکه‌اند و هر دو برای سلامت جامعه و جلوگیری از فساد قدرت ضروری هستند. ایشان، نصیحت را یک فریضه و نقد را حق مردم می‌داند. در این چارچوب، نصیحت از سوی عامه مردم به مسئولین و نقد از سوی متخصصان و اهل نظر، هر دو به یک هدف مشترک، یعنی مهار قدرت می‌انجامند.

ایشان بر این باور است که مسئولان باید نقدپذیر باشند و خود را مصون از خطا نداند؛ همان‌گونه که حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «بر من گمان مبرید که اگر حرف حقی بگویید، پذیرفتنش بر من سنگین است... پس از گفتن حق یا مشورت

در عدالت خودداری نکنید که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمن‌ام»(نهج‌البلاغه، خطبه۲۱۶). این دیدگاه، قدرت را به یک نیروی نقدپذیر تبدیل می‌کند و مانع از فساد آن می‌گردد.

مقام معظم رهبری با اشاره به آموزه قرآنی، نصیحت پیشوایان مسلمین را یکی از سه ویژگی‌ای می‌داند که هیچ مسلمانی به آن خیانت نمی‌کند و آن را در کنار اخلاص عمل و همراهی با جماعت قرار می‌دهد. ایشان در یکی از بیانات خود بر این نکته تأکید می‌کند: «نصیحت ائمه مسلمین؛ یعنی برای مسئولین و پیشوایان جامعه خیرخواهی کردن و این خیرخواهی را در قالب نقد مطرح کردن»(امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج۷، ص۱۰ و همو، بیانات در دیدار جمعی از طلاب، ۱۳۷۸/۲/۷). از منظر ایشان، تعطیلی نقد و نصیحت، زمینه‌ساز فساد است. اگر سنت اسلامیِ نقد و نظارت بر حکومت به حاشیه رانده شود، قدرت به‌دست افراد فاسد می‌افتد که آزادی و عدالت را زیر پا می‌گذارند. مقام معظم رهبری در این باره بیان می‌دارد: «جامعه‌ای که در آن نقد نباشد، جامعه مرده است»(همو، بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۱/۵/۲۸). این دیدگاه، نقش نقد را از یک عمل صرفاً سیاسی به یک اصل حیاتی برای بقای جامعه تبدیل می‌کند. بنابراین، نصیحت و نقد، به‌عنوان دو سازوکار مکمل، قدرت را از حالت انحصاری و خودمحورانه خارج می‌سازد. رهبری بر این نکته تأکید می‌کند: «نقد و انتقاد، سازنده و موجب پیشرفت است»(همو، بیانات در دیدار مردم، ۱۳۷۹/۴/۶). نقد سازنده، زمینه را برای رشد، بالندگی و جلوگیری از انحطاط فراهم می‌آورد و قدرت را همواره در مسیر مطلوب، یعنی خدمت به مردم، نگه می‌دارد.

مشورت و رایزنی

یکی از سازوکارهای کلیدی مهار قدرت که به مشارکت مردم و نهادینه شدن نقد در جامعه یاری می‌رساند، مشورت و رایزنی است. مشورت در لغت به‌معنای استخراج چیزی ارزشمند و پنهان است(ابن‌منظور، ۱۹۸۸م، ج۳، ص۳۸۰)، که در عرصه حکمرانی، به‌معنای استخراج بهترین آرای جمعی برای اتخاذ تصمیمات صحیح می‌باشد. قرآن کریم

با صراحت، به پیامبر ﷺ امر به مشورت می‌کند: «**وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ**» (آل عمران(۳): ۱۵۹) و امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲، ج۶، ص۳۰). این دستور، با وجود عصمت پیامبر ﷺ، برای تبدیل مشورت به یک سنت پایدار در میان امت اسلامی است تا بعد از ایشان، مردم و مسئولان از آن پیروی کنند(طبری، ۱۴۱۲ق، ج۴، ص۱۰). علامه طباطبایی نیز این آیه را تأییدی بر سیره نبوی و حوزه مشورت را به تدبیر امور عمومی جامعه محدود می‌داند(طباطبائی، ۱۳۹۲ق، ج۲، ص۲۲۹).

مقام معظم رهبری با تحلیل این آموزه، مشورت را ابزاری برای جلوگیری از استبداد و تضمین سلامت تصمیم‌گیری در نظام اسلامی می‌داند. ایشان معتقد است که مشورت طلبی از سوی مسئولین، نشان دهنده پذیرش نظارت و نقد از سوی مردم است و زمینه‌ساز مشارکت آنها در سرنوشت خودشان می‌شود. ایشان در همین زمینه بیان می‌دارد: «یکی از اسباب موفقیت و پیشرفت، مشورت است... هیچ کس در کارهای خود بی‌نیاز از مشورت نیست؛ به خصوص در کار حکومت»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۵/۵/۳۱). مشورت، بستر نقد را فراهم می‌آورد و موجب می‌شود که مسئولین از انزوا و خودرأیی دور شوند. به تعبیر امام علی علیه‌السلام، کسی که خودرأیی کرد، خود را هلاک گرداند و آن کس که با دیگران مشورت کند، در عقل آنان شریک شده است(نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). این اصل، در نظام سیاسی اسلام یک اصل راهبردی است که مسئولین را به شنیدن و بررسی نظرات کارشناسان و عموم مردم تشویق می‌کند.

مقام معظم رهبری بر این باور است که مشورت به مسئولان بصیرت می‌بخشد و آنها را به‌سمت رشد و هدایت رهنمون می‌سازد. ایشان در سخنرانی دیگری بیان می‌دارد: «مشورت، به انسان بصیرت می‌دهد... در مدیریت‌های کلان، در کارهای بزرگ، مشورت یک امر لازم است»(امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷/۷/۱۹). این بیان، مشورت را از یک توصیه صرفاً اخلاقی به یک ضرورت مدیریتی و سیاسی تبدیل می‌کند. با مشورت، مردم در فرآیند تصمیم‌گیری سهیم می‌شوند و مسئولیت پذیری در جامعه افزایش می‌یابد. این مشارکت، قدرت را

به یک نیروی جمعی و مردمی تبدیل می‌کند. مقام معظم رهبری تأکید دارد که مشـورت یک اصل مهم در همه امور جامعه، به‌ویژه در امر حکومت اسـت: «مشـورت کـردن در امور، هم در امور شخصی، هم در امور اجتماعی، هم در امور سیاسی و به خصـوص در امور حکومت و کشور یک اصل است»(همو، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹).

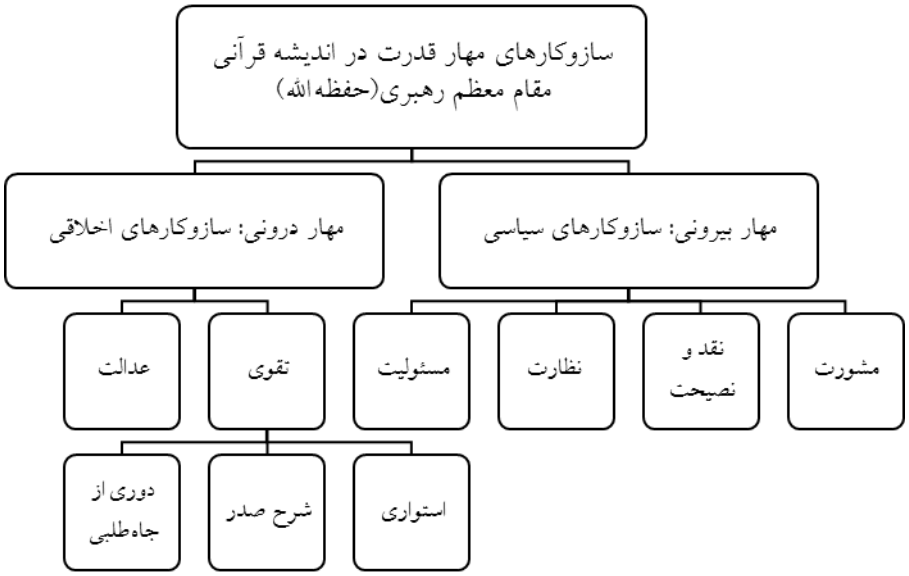
نتیجه‌گیری

بحث کنترل و مهار قدرت، یکـی از مسـائل حیـاتی در علـوم اجتمـاعی و حکمرانـی است؛ زیرا قدرت بدون مهار، به راحتی می‌تواند به فساد، استبداد و نهایتاً فاجعه اجتمـاعی منجر شود. این مقاله با رویکردی قرآنی و با استناد به اندیشه مقام معظم رهبری، دو دسـته از سازوکارهای مهار قدرت را مورد بررسی قرار داد: مهارهای درونی و مهارهای بیرونی.

در بخش نخست، تمرکز بر مهارهای درونی بود که ریشـه در اخـلاق و خودسـازی مسئولان دارد. در این حوزه، تقوا و عدالت به‌عنوان شاه کلیـدهای اصـلی مهـار قـدرت معرفی شدند. با نهادینه شدن تقوا، مـی‌تـوان امیـد داشـت کـه حـاکم از آفـات قـدرت همچون جاه‌طلبی، انحصار طلبی، و خودرأیی دوری کند. تقوای درونـی، فضـیلت‌هـایی چـون شـرح صـدر و شـکیبایی و اسـتواری گفتـار را بـه‌دنبـال دارد و مسـئولان را از فسادآفرینی بازمی‌دارد. با این حال، همان‌گونه که تاریخ نشان می‌دهد، صـرف تکیـه بـر مهار درونی کافی نیست؛ چراکه تقوا ملکه‌ای قابل تظاهر و زوال اسـت و ممکـن اسـت مسئولان به‌صورت ناخواسته و ناآگاهانه نیز دچار خطا شوند.

در بخش دوم، سازوکارهای بیرونی و سیاسی مهـار قـدرت بررسـی شـدند کـه بـر مشارکت جمعی و نظارت عمومی استوارند. این بخـش شـامل مباحـث کلیـدی چـون مسئولیت همگانی، امر به معروف و نهی از منکر، نقد و نصیحت، و مشـورت و رایزنـی بود. این سازوکارها، نه تنها ابزاری برای پاسخ‌گو کردن حاکم هستند، بلکه به‌مثابـه یـک شبکه نظارتی فراگیر عمل می‌کنند. امر به معروف و نهی از منکر، هر شهروند را به یـک ناظر تبدیل می‌کنـد و نقـد و مشـورت، زمینـه را بـرای بهـره‌گیـری از خـرد جمعـی و جلوگیری از خودرأیی فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری کلی پژوهش این است که مهـار قـدرت در اندیشـه قرآنـی مقـام معظـم رهبری، یک فرآیند جامع و دومحـوری اسـت. سـلامت حکمرانـی در گـرو ترکیبـی از تقوای فردی(مهار درونی) و نظارت فعال و هوشمندانه مردم(مهار بیرونـی) اسـت. ایـن دو بعد، مکمل یکدیگرند و نبود هر یک، می‌تواند سیستم را در معـرض خطـر فسـاد و انحراف قرار دهد. بنابراین، حکومتی که به‌دنبال تحقـق عـدالت و همچنـین حکمرانـی صالح است، باید هم به تزکیه و تهذیب کارگزاران خود اهمیـت دهـد و هـم بسـترهای لازم برای مشارکت، نقد و نظارت عمومی را فراهم آورد. این رویکرد دوگانه، پایداری، عدالت و مشروعیت نظام را تضمین می‌کند و آن را از سقوط به ورطه فساد بازمی‌دارد.



منابع و مآخذ

* **قرآن کریم**.
* **نهج البلاغه**.

۱. ابن‌مسکویه، احمدبن‌محمد، **تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق**، بیروت: طلیعة النور، ۱۳۹۸ق.
۲. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، **لسان العرب**، ج۳، بیروت: دار الجیل، ۱۹۸۸م.
۳. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در جمع دانشجویان و دانش‌آموزان**، ۱۳۸۲.

۴. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم**، ۱۳۷۸و۱۳۸۳.
۵. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری**، ۱۳۸۹.
۶. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام**، ۱۳۸۷.
۷. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با اعضای هیئت دولت**، ۱۳۸۵.
۸. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با طلاب و فضلای حوزه‌های علمیه**، ۱۳۷۸.
۹. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام**، ۱۳۸۵، ۱۳۸۹و۱۳۹۴.
۱۰. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار دانشجویان**، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱و۱۳۹۵.
۱۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار مردم قم**، ۱۳۸۸.
۱۲. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **بیانات در دیدار مسئولان نظام**، ۱۳۷۷و۱۳۷۹.
۱۳. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **تفسیر سوره تغابن**، ج۸، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۱۴. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **تفسیر سوره جمعه**، ج۱۰، تهران: دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷.
۱۵. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **تفسیر سوره مجادله**، ج۷و۱۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۶. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **تفسیر سوره ممتحنه**، ج۹، تهران: دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴.
۱۷. امام خامنه‌ای، سیدعلی، **تفسیر سوره برائت(توبه)**، ج۶، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۸. امین اصفهانی، سیده نصرت، **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**، ج۴، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
۱۹. امینی، پرویز، **مهار قدرت در مردم سالاری دینی براساس دیدگاه‌های امام خمینی﵀ و قانون اساسی**، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۸۸.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، لبنان: دار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۲۱. سیدباقری، سیدکاظم و طالبی‌چاهوکی، محمدجواد، **الگوی مهار قدرت سیاسی در اندیشه امام خمینی و رهبر معظم انقلاب اسلامی با تاکید بر ظرفیت‌های تقوا و عدالت**، مجموعه مقالات نهمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (ص۱۰۰-۸۰)، تهران: دبیرخانه کنفرانس، ۱۳۹۷.

۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، **تفسیر المیزان**، ج۱۲، بیروت: مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چ۲، ۱۳۹۲ق.
۲۳. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات حوزه علمیه اسلامی، ۱۳۶۳.
۲۴. طبری، محمدبن‌جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، ج۴، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسی، محمدبن‌حسن، **التبیان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۶. عباس‌تبار، رحمت و حسینی، فرزاد، «نظارت بر قدرت و مهار آن در نظریه ولایت مطلقه فقیه با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی﵀»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، ش۴۹، ۱۳۹۶.
۲۷. علی‌بن‌ابراهیم، **تفسیر القمی**، ایران، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۲.
۲۸. عیاشی، محمدبن‌مسعود، **تفسیر العیاشی**، بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۲۹. فخر رازی، محمدبن‌عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۰. کاتوزیان، ناصر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
۳۱. لاک، جان، **رساله‌ای در باب حکومت**، ترجمه حمید عضدانلو، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷.
۳۲. متقی، علی‌بن‌حسام‌الدین، **کنزالعمال**، ج۱۲، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج۷۸، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، **نظریه سیاسی اسلام**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀، چ۴، ۱۳۸۰.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۳۶. مونتسکیو، شارل، **روح القوانین**، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۳۷. نبوی، سیدعباس، **فلسفه قدرت**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۳۸. نوری طبرسی، میرزاحسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت: مؤسسهٔ آل البیت﵈ لإحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.